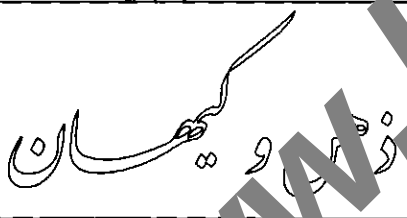


مجموعه آثار تامس نیگل - ۱۱

تامس نیگل

ترجمه

جواد حیدری



کتابخانه

نشر نگاه معاصر

تامس نیگل

ترجمه

جواد حیدری

عضو مآت علمی دانشگاه شاد

ناشر: نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / طراح جلد: باسم الرسام
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۹۲ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه / قیمت: ۸۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۴۷-۷۱-۳

نگاه معاصر

ناشر نگاه معاصر

نشانی: تهران، خیابان شهک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۰۲۱-۴۸۲۰۹۰۰۰ / پست الکترونیک: negahe_moaser@yahoo.com

Nagel, Thomas

سرشناسه	: نیگل، تامس
عنوان و نام پدیدآور	: ذهن و کیهان / نیگل، تامس؛ ترجمه جواد حیدری.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۵۶ ص.
فروست	: مجموعه آثار تامس نیگل، ۱۱.
شابک	: 978-600-5747-71-3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
یادداشت	: عنوان اصلی:
	Mind and Cosmos: Why the Materialist Neo-Darwinian Conception of Nature is almost Certainly False, © 2012.
موضوع	: کیهان‌شناسی.
موضوع	: داروین، چارلز رابرت، ۱۸۰۹-۱۸۸۲ م.
موضوع	: Darwin, Charles Robert
موضوع	: کیهان‌آفرینی.
موضوع	: آغاز جهان.
موضوع	: آفرینش.
موضوع	: علوم - فلسفه.
شناسه افزوده	: حیدری، جواد، ۱۳۵۸ - ، مترجم.
رده‌بندی کنگره	: BD ۵۱۱ / ن ۲۳۹ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی	: ۱۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۳۱۴۹۶

فهرست

۷	□ مقدمه مترجم
۱۷	□ لب اللباب (برای خوانندگان ایرانی)
۲۱	□ پیشگفتار
۲۳	۱. مقدمه
۳۵	۲. فروکاست‌گرایی و نظم طبیعی
۵۷	۳. آگاهی
۹۵	۴. شناخت
۱۲۳	۵. ارزش
۱۵۵	۶. نتیجه‌گیری
۱۵۷	□ نمایه

مقدمه‌ی مترجم

ذهن و کیهان کتابی است جسورانه، مبتکرانه، و مناقشه‌آمیز که همیشه از نیگل انتظار می‌رود. این کتاب مخالفان طوطی‌گرایان را برانگیخته و موافقت پرشور و حرارت خدایاوران را جلب کرده است. الیات سوبر^۱ ایده دارد که «ذهن و کیهان کتابی است متهورانه که موج ایجاد می‌کند»^۲. این کتاب حاکی از آن است که جدیدترین سیر فکری نیگل از روایت متعارف طبیعت‌گرایی فاصله می‌گیرد و در نقد طبیعت‌گرایی با نگرش خدایاورانه به عالم همداستان می‌شود. سیر فکری نیگل در حوزه فلسفه‌ی ذهن انتشار مقاله‌ی بسیار مهم و تأثیرگذار او، «خفاش بودن چه حالی دارد»، شروع به کار این مقاله، وجود آگاهی فروکاست‌ناپذیر و نظرگاه اول‌شخص را می‌پذیرد.^۳ در سال ۲۰۰۷، کتاب *حکایت آخر* [= *The Last Word*] نیگل منتشر شد، او در این کتاب دفاع جانانه‌ای از عقایدش کرد و می‌پذیرد که عقل عینی [= objective reason] مشکلی را پیش‌اروی طبیعت‌گرایی قرار می‌دهد. قرائن و شواهدی به نفع خدایاوری ارائه می‌کند.^۴ این واقعیت که نیگل در یک‌چنین سیر فکری بوده است دال بر استحکام فکری نیگل است. او همیشه با سرسختی هرچه توانست به راه حل‌های فروکاست‌گرایانه برای مسائل جدی و به تعبیر او کشنده کاملاً بدبین بود.^۵

به صورت خلاصه، مدعای نیگل در این کتاب از قرار زیر است: «ماده‌ی انکارانه‌ی متعارف هرگز نمی‌تواند موارد زیر را تبیین کند: (۸۵)

1. Elliott Sober, «Remarkable Facts: Ending Science as We Know It,» *BostonReview.net*, November/December, 2012,

http://www.bostonreview.net/BR37.6/elliott_sober_thomas_nagel_mind_cosmos.php

2. Thomas Nagel, «What It Is Like to Be a Bat,» *Philosophical Review* 83 (1974): 435–50.

3. Thomas Nagel, *The Last Word* (New York: Oxford University Press, 2001).

مسئله ساز است: (۱) این روایت از این طریق که سازوکار عقلی ما را با بعضی جلوه می دهد چیزی را از قلم می اندازد که برای معرفت و استدلال ضرورت دارد - یعنی ساحات ذهنی، غایت شناختی، و هنجاری. (۲) این روایت، در نگاه پلستینگا، اعتبار قوای عقلی ما را کاملاً شکننده می کند، علی الخصوص اینکه این قوا در بافتی اعمال می شوند که به هیچ وجه تلاش برای بقا نیستند. نیگل در روایت خداپاورانه از این دو ویژگی ذهن شک و شبهه می کند به سبب جرات که (۱) این روایت سعی بلیغی دارد تا در مواجهه با شکاکیت به عقل اعتبار ببخشد و چنین تلاشی به دور می انجامد (مفروض می گیرد که عقل به خود عقل اعتبار می بخشد)؛ (۲) این روایت به مقاصد یا اهداف خدا توسل می جوید که امور این گونه است، اما این مقاصد در نهان به مضامینی گره زد که فراسوی آن چیزی که تبیین شده است می رود؛ (۳) خودوری به فراسوی نظم طبیعی می رود و نمی تواند روایت جامعی از درون این جهان ارائه بکند. نیگل می گوید که در پی روایتی از عقل نیست که در مواجهه با شکاکیت به آن استوار باشد، که او کار خود را با اعتماد به عقل شروع می کند، به گفته ی او، آنچه ما نیاز داریم روایتی جملاً طبیعت گرایانه است که فروکاست گرایانه نباشد و عناصر غایت شناسانه را در آن بگنجاند.

در فصل سوم نیگل می گوید که آگاهی را نمی توان با علم فیزیک تبیین کرد و این امر برای جهان نگری طبیعت گرایانه معضله ای بزرگی بشمار می رود. او خاطر نشان می کند که کفایت نمی کند که ادعا کنیم که تکامل نسبی بی محدودی را به وجود می آورد که برای تبیین آگاهی هم لازم و هم کافی است. این کار فزونی از همبستگی ها را پدید می آورد مبنی بر اینکه واقعیات فاقد شعور به تبیین دیگری در درون نیگل ادعا می کند که تبیین ربط دهنده که در آن A (مثلاً، تکامل)، B (مثلاً، پیچیدگی فیزیکی) را تبیین می کند و B واجد مؤلفه ی C (مثلاً، حالات آگاهانه) است فقط در صورتی که C را تبیین کند که ارتباط درونی دیگری بین این دو وجود داشته باشد: شیوه ای که A به B تبیین می کند و B، C را تبیین می کند.

برای نمونه، ما می توانیم تبیین کنیم که چرا چهار نفری که در سطح سطح یک خانواده اند، همگی مردند، بدون اینکه تبیین کنیم که چرا چهار عضو از یک خانواده مردند. برای یک تبیین ربط دهنده کافی و وافی، ما به چیزی مانند این نیاز داریم: A (یک بیماری ژنتیکی) B (مرگ تمام چهار نفر) را تبیین می کند و B، C (عضو یک خانواده بودن آنها) را تبیین می کند که در آن این نوع ارتباط بیان شده است. روایت داروینی مادی انگارانه نمی تواند این شرط «ارتباط درونی» را برآورده کند.

آنچه در یک تبیین نیازمندیم این است: ۱) چرا آگاهی در این موجود زنده‌ی خاص این نوع شکل خاص را به خود می‌گیرد. ۲) در آغاز آگاهی چگونه می‌تواند وجود داشته باشد. یک تبیین کافی و وافی تبیینی اساسی و تاریخی خواهد بود و چنین تبیینی نشان خواهد داد که آگاهی و شکل خاص آن در موجودات زنده چیزی است که انتظار آن می‌رود. تبیین اساسی (اینکه چگونه در درجه‌ی اول آگاهی می‌تواند وجود داشته باشد) یا فروکاستی خواهد بود (نیگل در اینجا تعریفش را از «فروکاست» به «تجزیه و تحلیل خواص کل خواص» تغییر می‌دهد (یا نوظهور) یک روایت مرتبه بالاتر که حالات ذهنی کلان [= macro-mental] به کارکرد فیزیکی پیچیده پیوند می‌زند و با توصیف کاملاً فیزیکی اجزای خود روبرو است. (نیگل با حساسیت نسبت به مسأله‌ی بیرون کشیدن چیزی از هیچ چیز، حال فروکاستی را برمی‌گزیند و شکلی از همه‌جان‌انگاری یا نظریه‌ی دوساحتی را اتخاذ می‌کند که مطابق با آنها سازه‌های عالم دارای خواص ذهنی و فیزیکی‌ای هستند که ضرورتاً در هم تنه‌اند. اساس این نگرش، حالات آگاهانه‌ی کلان موجودات زنده از خواص یا حالات ذهنی اجزای خود تشکیل شده است. در خصوص تبیین تاریخی، نیگل روایت متعارف علی‌معنوی فیزیکالیستی را رد می‌کند (این روایت نمی‌تواند بر نامحتمل بودن زندگی پیش از فائق آمدن ظهور آگاهی را تبیین کند) و پاسخ غایت‌شناسانه را می‌پذیرد: عالم همه‌جان‌انگیز، ساز گرایش به رشد موجودات زنده‌ای داشته است که دارای نظرگاه ذهنی است.

این رأی و نظر نیگل دو پیشفرض عمده دارد: اول اینکه راه حل نیگل مستلزم این است که ارتباط بین حالات ذهنی و فیزیکی حالتی ضروری باشد. اگر این ارتباط امکانی باشد، در این صورت آنها بی‌خود و بی‌جهت به یکدیگر ضرورت خواهند داشت و ما به تبیینی برای این واقعیت نیازمندیم. از نظر نیگل مسأله این است که این ارتباط امکانی است و نه ضروری. کیفیات ذهنی وارونه، مرده‌ی متحرک، ارواح بدون جسم، گونه‌ای فکری مرتبط با آن در آثار قلمی فلسفه‌ی ذهن فراگیر است، و جی‌گون کیم خاطرنشان می‌کند وقتی که امکان مابعدالطبیعی این جهان‌های ممکن به نظر مطابق با فهم عرفی ما باشد، مقاومت واقعی در برابر این امر می‌تواند التزامی مصادره به مطلوب به فیزیکالیسم باشد.^۱ کافیتست بگویم که به نظر کسانی که ارتباط فیزیکی-ذهنی را امکانی می‌دانند، پذیرش موضع نیگل برای آنها دشوار است.

1. Jaegwon Kim, *Philosophy of Mind*, 2nd ed. (Boulder, CO: Westview, 2006), 233.

که آن کار موجب آسیب و صدمه به موجودات ذی‌شعور نمی‌شود». اما در این واقع‌گرایی اخلاقی هیچ خبری از حقیقت‌ساز [= truth-maker] وجود ندارد. این مناقشه بین ذهنی‌نگاری و واقع‌گرایی، مناقشه‌ای درباره‌ی محتوای عالم نیست؛ بلکه درباره‌ی نوع تبیین هنجاری است. بدین نحو، احکام و داوری‌های اخلاقی خاص («به سگ‌ها آسیب و صدمه نرسان») با هنجار کلی‌تری («به موجودات ذی‌شعور آسیب و صدمه نرسان») تبیین می‌شود، اما عناصر ارزش‌گذارانه‌ی این اصول خودشان با هیچ اصل دیگری تبیین نمی‌شوند. بنیاد اخلاقی صرفاً به خودی خود بدون حقیقت‌ساز اخلاقی، صادق‌اند. مثلاً نیگل می‌گوید این است ما [= idealists] نمی‌توانند حقایق فیزیکی را فی‌نفسه صادق تلقی کنند، بلکه آنها را باید توجه به تجارب بالفعل و بالقوه تبیین کرد. اما از نظر فیزیکالیست‌ها [= physicalists] حقایق ذهنی نمی‌توانند صرفاً به خودی خود صادق باشند، آنها را با توجه به حقایق فیزیکی همان اصول اساسی‌اند باید تبیین کرد.

حال نیگل ادعا می‌دهد بعضی‌ها ممکن است اعتقاد داشته باشند که صرفاً به این خاطر که واقع‌گرایی فیزیکی برای تبیین حقایق ذهنی اضافی [= entities] را به اسباب و اثاثیه‌ی جهان اضافه نمی‌کند، در این صورت، برای اخلاقی هیچ لازمه‌ای را برای نظم طبیعی ندارد. اما این عقیده از نظر نیگل کسر اشتباه است. واقع‌گرایی اخلاقی با روایت داروینی مادی‌انگاره از قوای اخلاقی‌مان ناسازگار است. بدی واقعی درد برای بقا زائد است چون بقا خود قوه‌ی تشخیص این بدی است.

مثل فصول پیشین، نیگل روایت اساسی تاریخی را برای مسأله‌ی ارزش پیش می‌کشد: با توجه به روایت اساسی، این پرسش معرجه می‌شود که چگونه می‌تواند موجوداتی وجود داشته باشند که حقایق و ادله‌ی اخلاقی را در یک بکت و نیز موجوداتی که براساس این تصدیق برای عمل برانگیخته می‌شود، و نیز برای اقدام متناسب با چنین عملی هستند؟ نیگل پاسخ فروکاستی را (اینکه ما می‌توانیم چنین عمل‌ها را با توسل به خواص اجزای آن تبیین کنیم) کنار می‌نهد و در عوض پاسخ نوظهور دیگر را به اتخاذ می‌کند، چون پاسخ فروکاستی وحدت فاعل را نقض می‌کند، وحدتی که برای عمل اخلاقی ضرورت دارد. چگونه؟ پاسخ فروکاستی فاعل اخلاقی و عمل او را حقیقی صرف از پاسخ‌های اجزای فاعل تلقی می‌کند. وحدت فاعل را به سختی می‌توان با روایت فروکاستی از آگاهی سازگار کرد.

با در نظر گرفتن روایت تاریخی، نیگل ادعا می‌کند که ذهنی‌نگاری کاملاً با تکامل سازگار است. به نظر واقع‌گرایان، شخص باید به این روایت چیزی بیفزاید تا موجوداتی را

که آزادانه در پاسخ به درک و فهم حقایق و ادله‌ی اخلاقی بر اعمالشان کنترل دارند و نیز با این ادله برانگیخته می‌شوند. تبیین کند. فرایند تاریخی برای اینکه بتواند به این موضوع بپردازد باید از طریق چهارگام پیش برود:

۱. موجودات آگاه
 ۲. موجوداتی که دارای خوبی هستند (امور می‌توانند برای آنها خوب یا بد پیش برود).
 ۳. موجوداتی که می‌توانند امور خوب را خوب و امور بد را بد تلقی کنند.
 ۴. موجوداتی که می‌توانند احکام و داوری‌های اخلاقی‌شان را تعمیم بدهند.
- کنار چنین فابندی، باید دو چیز دیگر را تبیین کرد: ظهور خود ارزش و ظهور موجوداتی که دارای عقلانی و انگیزشی هستند که می‌توانند ادله‌ی اخلاقی را درک و فهم کنند و بر اساس آنها عمل کنند. نیگل مدعی است که داروینسم همه‌ی اینها را به یک تصادف غیر قابل ردّ می‌دهد، و او در اینجا، باز هم، رویکرد غایت‌شناختی خود را اتخاذ می‌کند: آنچه ظاهر حیات را تبیین می‌کند این است که جهان طبیعی گرایش به رشد چنین آشکالی از حیات دارد که ارزشمند هستند و می‌توانند به خوبی معطوف باشند. در ترجمه‌ی این کتاب از راهنمایان برای ارزشمند استاد گرانقدر مصطفی ملکیان بهره‌مند بوده‌ام. از ایشان بابت این همه تشکر و کمال تشکر می‌کنم. خانم زهره دده‌جانی در ترجمه‌ی اصطلاحات تخصصی کمک بسیار کردند. از مدیر انتشارات نگاه معاصر، آقای اکبر قنبری، کمال تشکر را دارم به خاطر محبت و تقبل کردند ترجمه‌ی کل آثار نیگل را به زیور طبع آراسته کنند.
- در پایان از لطف و محبت تامس نیگل تشکر می‌کنم به جهت اینکه سخاوتمندانه علی‌رغم مشغله‌ی فراوان به پرسش‌های مترجم پاسخ گفتند.